

تبیین فرآیند شکل‌گیری خیانت‌زنشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد

محمد خالدیان^۱، سمیه شاهمرادی^۲، یاسر مدنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تبیین فرآیند شکل‌گیری خیانت‌زنشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد بود. **روش:** روش این پژوهش کیفی و از نوع گراند تئوری بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل زنان دارای همسر وابسته به مواد شهرستان قروه بود که ۱۸ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته بود. همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی انجام پذیرفت. **یافته‌ها:** عوامل شناسایی شده و استخراج شده تاثیرگذار در شکل‌گیری خیانت‌زنشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد شامل: الف) عوامل زمینه‌ساز شامل عوامل فردی، روانی، و بین فردی، ب) عوامل آشکارساز شامل عوامل خانوادگی و خطر، ج) عوامل تداوم‌بخش شامل عوامل اجتماعی، فرهنگی، و محیطی، و د) عوامل تشدیدکننده شامل عوامل عاطفی و جنسی بودند. همچنین، راهبردها شامل مداخله در عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی، بین فردی، ارتباطی، و مداخله‌ای بودند. **نتیجه‌گیری:** عوامل متعددی در فرآیند شکل‌گیری خیانت‌زنشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد نقش دارند که با شناسایی آنها در محیط‌ها، فرهنگ‌ها، و جوامع مختلف، می‌توان اقدامات موثری در راستای کاهش خیانت‌زنشویی و حتی پیشگیری از اعتیاد تنظیم و تدوین نمود و زمینه آگاهی عمومی را ایجاد نمود.

کلیدواژه‌ها: خیانت‌زنشویی، مصرف مواد، اعتیاد

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای مشاوره، پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران، تهران، ایران. پست الکترونیک:

khaledian12@pnu.ac.ir

۲. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

اختلال سوء مصرف مواد^۱ و اعتیاد^۲ یکی از بحران‌های چهارگانه قرن بیست و یکم و از معضلات و مشکلات جدی بهداشتی، روانی و اجتماعی است که اکثر جوامع مختلف را درگیر کرده است (راطق و فرهادی، ۱۳۹۸). در ایجاد و تداوم و تشدید آن عوامل مختلفی از جمله عوامل، فردی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی و زیستی نقش دارند و به نوعی به الگوی ناسازگارانه مصرف مواد اطلاق می‌شود که با مجموعه‌ای از علائم جسمی، رفتاری، فیزیولوژیکی و شناختی در طول یک دوره ۱۲-۸ ماهه نمایان می‌شود که باعث مصرف مداوم و مستمر مواد می‌شود و هم زندگی شخصی فرد هم خانواده و هم اجتماع را تحت تاثیر قرار می‌دهد (نعمتی سوگلی تپه، شاهمرادی، رحیمی و خالدیان، ۱۳۹۹). اعتیاد، پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و زیستی بسیاری برای فرد دارد اما عمده‌ترین پیامد اعتیاد، متمرکز بر خانواده است و عمده‌ترین آسیب خانوادگی اعتیاد به مواد مخدر، می‌تواند بر روابط عاطفی، جنسی و روانی زن و شوهر در خانواده باشد. مصرف مواد مخدر، کارکرد جنسی فرد را دچار مشکل کرده و بی‌تفاوتی او نسبت به همسرش باعث دوری آنها از یکدیگر می‌شود. از این جهت که نیازهای جنسی و عاطفی همسر فرد مصرف‌کننده مواد رفع نمی‌شود؛ او را در معرض افزایش احتمال خطر ورود به روابط فرازناشویی قرار می‌دهد. البته میزان این خطر می‌تواند مشروط به ویژگی‌های فردی، تربیتی و مذهبی این زنان باشد (خلیلی، بهمنی، خانجانی و واحدی، ۱۴۰۰). توجه به کانون خانواده، محیط سالم و سازنده، روابط گرم و ارتباطات و تعاملات بین اعضا عواملی هستند که می‌توانند سبب رشد و پیشرفت افراد و خانواده شوند (جلالی، حیدری، داودی و آل یاسین، ۱۳۹۸). سنگ‌بنای یک خانواده بر پیوندهای عاطفی و اعتماد شخصی هر یک از زوجین به یکدیگر بنا شده است که آرامش اعضای خانواده در گرو آن است (وایب و جانسون^۳، ۲۰۱۷). با این حال، خانواده‌ها به واسطه تحولات رشدی، چالش‌های روزمره زندگی و بحران‌های غیرمنتظره مدام و پیوسته در حال تغییر و دگرگونی هستند که هر کدام از آنها،

خانواده‌ها را ملزم به یافتن و حفظ تعادل عاطفی و انسجامی می‌کنند تا ثبات آن تأمین و خانه و خانواده به آرامش برسد (استیل و استیل^۱، ۲۰۱۹). تعهد به روابط زناشویی، یکی از رایج‌ترین و مهمترین هنجارهای موجود در فرهنگ‌های مختلف است که تخطی از آن عمدتاً ناپذیرفتنی است. زمانی که زن و مرد با یکدیگر تعهد زندگی مشترک می‌بندند، انتظار دارند به یکدیگر وفادار بمانند (ژیان پور و بهارلویی، ۱۳۹۹)؛ در نتیجه یکی از آسیب‌هایی که می‌تواند بنیاد خانواده را سست کند، روابط فرازناشویی است (آوانی و زارعی محمدآبادی، ۱۳۹۹). خانواده و جامعه سالم، وابسته به روابط زناشویی کامیاب است. مشکلات زناشویی نه تنها پایه‌های خانواده را سست می‌کند، چه بسا مهم‌تر از آن، تحول هیجانی، اجتماعی و سازگاری پس از آن زوجین را نیز دچار مشکل می‌سازد (روحي کریمی، شیرازی و ثناگوی محرر، ۱۳۹۹).

یکی از مسائلی که ساختار خانواده را تهدید می‌کند وقوع روابط فرازناشویی^۲ است که مشکلات زیادی را برای خانواده و اجتماع به وجود می‌آورد. تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی است که به سوی روابط فرازناشویی کشیده می‌شوند (مافوسا، ماتاندوا و نیامایارو^۳، ۲۰۱۷). با این حال میزان روابط فرازناشویی در ایران به طور خاص مشخص نشده که می‌توان علت آن را تابوهای فرهنگی عنوان کرد. با این حال، مشاهدات تجربی و نظری در این حیطه بیانگر آن است که این آسیب در جامعه ایران در حال گسترش است. همچنین در پژوهش‌های مختلفی عنوان شده است که یکی از دلایل مهم از هم پاشیده شدن خانواده و مراجعه به مراکز مشاوره و روان درمانی، روابط فرازناشویی زوجین است (ابراهیمی، رفیعی‌نیا و دلاورپور، ۱۳۹۸). خیانت زناشویی از قدیم تاکنون در بین فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون رواج داشته است. خیانت به همسر که تقریباً امری جهانی است، ناشی از این است که فرد در روابط جنسی خود با همسرش احساس نارضایتی می‌کند. آنها خیانت را رابطه جنسی، عاطفی و یا ترکیبی از هر دو می‌دانند و

معتقدند که خیانت عاطفی، حتی اگر منجر به رابطه جنسی نشود، به رابطه زناشویی آسیب می‌زند (شعاع کاظمی، ۱۳۹۶).

خیانت^۱ یکی از اقداماتی است که می‌تواند برای ثبات رابطه بسیار آسیب‌رسان باشد. رابطه زناشویی، یک رابطه چندوجهی است که متأثر از عوامل متعدد و گوناگون و در معرض چالش‌های متعدد و گوناگونی قرار دارد که خیانت‌زناشویی می‌تواند یکی از آسیب‌زاترین این چالش‌ها باشد (امانی، خالق‌پناه و محمدی، ۱۳۹۹). خیانت شامل فیزیکی، جسمانی (جنسی)، عاطفی، احساسی و ترکیبی از هر دو و خیانت‌سایبری (درفضای مجازی) است. خیانت جسمانی یا جنسی^۲ مطابق با نظر عموم مردم به برقراری رابطه جنسی با شخصی دیگر اشاره دارد. در این زمینه، خیانت، درگیری و ورود در رابطه جنسی خارج از ازدواج بدون آگاهی و رضایت همسر و رابطه و آمیزش جنسی خارج از زندگی زناشویی می‌باشد؛ رفتارهایی نظیر بوسیدن، نوازش و یا تعاملات جنسی به غیر از آمیزش جنسی نیز ممکن است خیانت جسمانی تلقی شوند. خیانت عاطفی یا هیجانی^۳ به جای آنکه با مؤلفه‌های جسمانی مشخص شود توسط نزدیکی و تماس هیجانی و مؤلفه‌های هیجانی و احساسی مانند مشارکت، تفاهم، همراهی و هر نوع دیگری از رابطه نزدیک تعریف می‌شود که بین دو نفر جز همسران آنها به اشتراک گذاشته می‌شود و زمانی اتفاق می‌افتد که فردی منابعی نظیر عشق، زمان و توجه را وقف فرد دیگری جز همسر خویش می‌کند و گسترده‌تر و فراگیرتر از خیانت جسمانی است (صمدی کاشان، پورقناد و زمانی زارچی، ۱۳۹۸).
از منظر سنتی، روابط فرازناشویی به معنای برقراری رابطه جنسی با فردی غیر از همسر می‌باشد اما امروزه با توجه به دگرگونی در روابط اجتماعی و همچنین تغییر در نگرش‌ها، علاوه بر روابط جنسی به طور خاص، داشتن رابطه با فرد دیگر، شیفتگی و محبت نامتعارف، روابط عاطفی فراتر از دوستی عادی، استفاده از پورنوگرافی، ارتباط نامتعارف در فضاهای مجازی نیز در این تعریف می‌گنجد (مهدی‌زاده و دره‌کردی، ۱۳۹۹). رابطه

1. betrayal
2. sexual affair

3. emotional affair

فرازناشویی که به بی‌وفایی جنسی، عاطفی، ترکیبی (عاطفی و جنسی) و مجازی (گفت و گوهای جنسی از طریق تلفن و چت) دلالت دارد، خارج از قرارداد اجتماعی ازدواج برقرار می‌شود که ناظر به انحصار روابط جنسی و عاطفی میان زن و شوهر است (فولادیان، برادران کاشانی و دیاری، ۱۴۰۰).

روابط خوب و باثبات تاثیرات مثبت گسترده‌ای بر استرس، تنظیم هیجانی، سلامت جسمی، روانی و امید به زندگی دارد. پژوهش‌های روان‌شناختی نشان داده‌اند که حفظ روابط زناشویی برای طولانی مدت کار آسانی نیست و حتی افرادی که روابط صمیمانه‌ای با همسرشان دارند، بازداری توجه به دیگران را دشوار می‌یابند و روابط ماندگار و حفاظت شده زناشویی، به خصوص به هنگام سختی‌ها و تهدیدهای ارتباطی، کار آسانی نیست (یودا، یاناگیساوا، آشیدا و آبه^۱، ۲۰۱۸). شیوع روابط فرازناشویی در ایالات متحده امریکا برای زنان بین ۲۶٪ تا ۷۰٪ و بین ۳۳٪ تا ۷۵٪ برای مردان گزارش شده است؛ در کشور ما هم به رغم اینکه آمار دقیقی از روابط فرازناشویی وجود ندارد، مراجعه روزافزون این دسته از مراجعان به مراکز مشاوره و نیز گزارش‌های دادگستری در باب رابطه فرازناشویی به عنوان یکی از دلایل طلاق گویای رشد این پدیده در کشورمان می‌باشد (خرم آبادی، سپهری شاملو، صالحی فدردی و بیگدلی، ۱۳۹۷). طبق مطالعات ۷۰ درصد زنان دارای همسر و ۴۵ درصد مردان دارای همسر از روابط فرازناشویی همسرانشان بی اطلاع بوده‌اند. در دهه گذشته روابط فرازناشویی در زنان افزایش یافته است، ولی همچنان تراز آن از مردان کمتر است و در گزارش اخیر سازمان بهداشت جهانی، شمار مردانی که در روابط فرازناشویی درگیر بوده‌اند ۷ برابر زنان ذکر شده است (نریمان، آقایی و فرهادی، ۱۳۹۹). یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۴ درصد افرادی که مرتکب روابط فرازناشویی شده‌اند دارای فرزند بوده و بیش از نیمی از روابط فرازناشویی در ۱۰ سال نخست زندگی مشترک آنان رخ داده بود. همچنین ۴۲ درصد روابط فرازناشویی در سنین ۲۵ تا ۴۶ سال و ۴۰ درصد در سنین ۳۶ تا ۴۵ سال رخ داده بود (نریمان و همکاران، ۱۳۹۹).

تعدادی از پژوهشگران، خیانت‌زنشویی را آسیب‌درون فردی تلقی می‌کنند و بر این عقیده هستند که ارضای نیازهای فیزیولوژیک، طحوااره‌های ناسازگار اولیه به ویژه در بعد عاطفی و جنسی، ضعف در ایمان و اعتقادات مذهبی بازدارنده، نبود تعهد، برون‌گرایی، نبود عشق اصیل، اصلی‌ترین زمینه‌سازهای گرایش زوجین به این بحران بین‌فردی هستند. این آسیب‌کارکردی زمانی که اتفاق می‌افتد زمینه را برای بروز گستره‌ای از مشکلات درون فردی، بین فردی و محیطی در زوجین فراهم می‌کند و منجر به بروز خلل در کارکرد فرزندان و سایر اعضای خانواده می‌شود (چوپانی، فاتحی زاده، آسنجرانی و کوریا، ۱۴۰۰). هرگونه روابط جنسی یا ارتباط عاطفی خارج از چارچوب روابط زنشویی به صورت مخفیانه، که تهدیدی برای زندگی زنشویی محسوب شود، خیانت است؛ بر این اساس خیانت عبور فرد از مرز رابطه زنشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه تعریف می‌شود (متنگا، فیفر، تانر، گیلبل و مرتن^۱، ۲۰۱۹).

تعدادی از پژوهشگران، خیانت‌زنشویی را آسیب‌درون فردی تلقی می‌کنند و بر این عقیده هستند که بدکارکردی‌های فردی نظیر تنوع‌طلبی جنسی و عاطفی می‌تواند زمینه‌ساز خیانت باشد (استیرمان، گارسیا و تاپلیس^۲، ۲۰۱۹). برخی دیگر از پژوهشگران، تأکید دارند که خیانت زنشویی آسیبی بین‌فردی است و اگرچه عوامل درون فردی نظیر عوامل روان‌شناختی و شخصیتی تا حدی در شکل‌گیری آن تأثیر دارند، ولی علل و عوامل بین‌فردی نظیر نارضایتی عاطفی، نارضایتی و خودشیفتگی جنسی (واراچ، جوزف و گورمن^۳، ۲۰۱۸) و سبک دل‌بستگی ناایمن (بیلتران-موریلاس، والور-سیگورا و ایکسپوسیتو^۴، ۲۰۱۹)، اصلی‌ترین زمینه‌سازهای بروز این آسیب هستند. نتایج پژوهش عزیزپور، رضاپور میرصالح و متقی (۱۳۹۹) با موضوع بررسی ابعاد هیجانی و روان‌شناختی آسیب‌های دوران کودکی در مردان و زنان دارای پیشینه خیانت زنشویی نشان داد که افراد دارای پیشینه خیانت زنشویی در دوران کودکی خود دچار آسیب‌های هیجانی و روان‌شناختی همچون محرومیت، درماندگی، گسستگی هیجانی، شکاف میان نسلی و

1. Mtenga, Pfeiffer, Tanner, Geubbels & Merten
2. Selterman, Garcia & Tsapelas

3. Warach, Josephs & Gorman
4. Beltrán-Morillas, Valor-Segura & Expósito

تمرکز بیرون از خانواده والدین شده بودند. نتایج پژوهش ژیان پور و بهارلویی (۱۳۹۹) با موضوع گریز از مدار ضعیف زندگی زناشویی کاوشی در معنا و فرایند شکل‌گیری خیانت نشان داد که هشت مقوله اصلی خیانت زناشویی راهیابی نابسامان، زناشویی ناکارآمد، ترس‌های تعاملی، اعتماد آزمون نشده، گریز از زندگی، غرقگی در محیط، غرقگی در گذشته، زندگی پشت صحنه‌ای و مدار ضعیف زندگی زناشویی به عنوان هسته مدل پارادایمی پدیدار گشت. نتایج پژوهش حدیدی و حدیدی (۱۳۹۸) با موضوع رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های مجازی با خیانت زناشویی، در بین مراجعه‌کنندگان به بخش مشاوره کلانتری شهرستان تنکابن نشان داد که بین ابعاد خیانت زناشویی و استفاده از شبکه‌های مجازی، متغیرهای توجهات جنسی، تجربه عشق نامشروع، سردی روابط زوجین، تحریک جنسی، قوی‌ترین و متغیر تعهد زناشویی ضعیف‌ترین میزان رابطه با میزان استفاده از شبکه‌های مجازی دارند. نتایج پژوهش صمدی‌کاشان، پورقناد و زمانی زارچی (۱۳۹۸) با موضوع خیانت زناشویی: کاوشی در دیدگاه‌ها، عوامل و پیامدها نشان داد که خیانت زناشویی دارای اشکال مختلفی از جمله خیانت عاطفی، جنسی و مجازی بوده و می‌تواند ناشی از علل و انگیزه‌های اجتماعی یا روان‌شناختی و یا زیست‌شناختی باشد. همچنین پدیده خیانت زناشویی می‌تواند پیامدهای متعددی در سطوح فردی، اجتماعی و عملکردی به دنبال داشته باشد. نتایج پژوهش دکل، آبراهامز و اندیپاتین^۱ (۲۰۱۸) نشان داد تجربیات آسیب‌زای والدین و فرزندان، غفلت و سو استفاده، تأثیر عمیقی در ایجاد سبک‌های دلبستگی ناسالم دارد و بر تنظیم زمینه روابط صمیمی و مشترک آینده فرد تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش عبدالملکی، اعظم آزاده و قاضی نژاد (۱۳۹۴) با موضوع رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازاندیشی مدرن با گرایش به روابط فرازناشویی در بین زوجین شهر قروه نشان داد که مصرف رسانه‌های جهانی، بازاندیشی مدرن (نوع و میزان استفاده از اینترنت و ماهواره) و رضایت زناشویی و نحوه ازدواج (آزادانه و اجباری) با گرایش روابط فرازناشویی رابطه دارند.

باتوجه به اینکه اعتیاد و مصرف مواد مخدر ابعاد و جنبه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و شغلی را مختل می‌کند می‌توان با شناسایی عوامل موثر در بروز اعتیاد، زمینه‌پیشگیری و حتی قطع مصرف مواد در افراد مصرف‌کننده را ایجاد و کارکرد طبیعی و سالم فرد در خانواده و اجتماع را فراهم نمود (هاشمی مقدم، ترکان و یوسفی، ۱۳۹۹). همچنین با توجه به این که آمار اعتیاد رو به افزایش بوده و رفته‌رفته گسترش پیدا نموده و پدیده اعتیاد همان‌گونه که به عنوان بالای قرن معرفی شده علاوه بر هزینه مالی گزاف، اثرات منفی زیادی بر همه جوانب زندگی فردی و خانوادگی و جامعه می‌گذارد. امید است با توجه به دستاوردها و نتایج این پژوهش بتوان روشی پیشنهاد کرد که با شناسایی علل و عوامل تاثیرگذار در خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد بتوان اعمال و رفتار را به شکل هوشمندانه‌ای نظم و ترتیب و شکل داد و زمینه‌ای را فراهم نمود تا به صورت علمی در زمینه امنیت روانی اجتماعی خانواده‌ها و زوجین و همچنین در جهت آشنایی با علل و عوامل آسیب‌های مربوط به خانواده و خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد بتوان به همین منظور و حتی راه‌های پیشگیری از مشکلات و حتی اعتیاد گام برداشت و افراد و خانواده‌ها را به سوی یک زندگی سالم و رشدیافته یاری نمود. توجه نکردن جدی از سوی کارشناسان و پژوهشگران به خیانت‌ناشویی، به عنوان زنگ خطر برای امنیت و سلامت افراد، خانواده و جامعه خواهد شد و بررسی‌ها و مطالعات علمی مبتنی بر ارزش‌ها و مسائل فرهنگی برای شناسایی علل و عوامل و متغیرهای مرتبط با خیانت‌ناشویی و پیامدهای آن در جامعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل انکار است. بدون شک آگاهی و شناخت و بررسی ریشه‌های این مشکل و برنامه‌ریزی برای پیشگیری و کاهش و رفع عوامل زمینه‌ساز و تداوم بخش آن، جامعه را در راستای ارتقای سطح سلامت، حفظ نظم و تعادل اجتماعی رهنمون می‌سازد. به طور کلی بر اساس آنچه مطرح گردید، ضرورت نگرشی علمی، جامع و نظام‌مند به موضوع شناسایی، آگاهی و دسته‌بندی علل و عوامل مؤثر بر خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در نتیجه در این پژوهش سعی بر آن است تا مبانی مفهومی و زیربنایی خیانت‌ناشویی در فرهنگ ایرانی در افرادی که همسران آنها دارای اعتیاد به

مواد مخدر و سوء مصرف مواد هستند شناسایی و تبیین شود تا از این طریق علاوه بر شناسایی و کشف عوامل تشکیل دهنده خیانت زناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد، امکان مقایسه با سایر جوامع و فرهنگ‌ها هم فراهم گردد. همچنین افزایش آمار اعتیاد و آسیب‌های مربوط به خانواده و تاثیر آن بر فرد، خانواده و جامعه و حتی فرزندان و سرنوشت آنها و آینده جامعه و نتایج پژوهش‌های ذکر شده در بالا و باتوجه به اینکه شناسایی عوامل تاثیر گذار در خیانت، احتمال بروز آن را در زوجین کاهش خواهد داد و شناسایی علل و عوامل تاثیر گذار در خیانت زناشویی و اعتیاد می‌تواند نقش بسزایی در شناسایی افراد در معرض خطر و برنامه‌ریزی برای پیشگیری و همچنین راهکارهای موثر داشته باشد؛ از این رو پژوهش در صدد پاسخگویی به این سوال است فرایند شکل‌گیری خیانت زناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد چگونه تبیین می‌شود؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

به جهت ماهیت موضوع پژوهش حاضر، از رویکرد کیفی به روش گراند تئوری (نظریه‌مبنایی یا نظریه داده‌بنیاد) استفاده شده است. این روش امکان مطالعه عمیق پدیده‌ها را در بافت واقعی خود فراهم آورده و به جای آزمون فرضیه‌ها، به ارائه یک چارچوب مفهومی و یا ظهور نظریه‌ای منجر می‌شود. در این پژوهش، جامعه آماری شامل زنان دارای همسر وابسته به مواد شهرستان قروه در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بود. انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بود. حجم نمونه در هنگام فرایند کار مشخص می‌گردد، زیرا در پژوهش‌های کیفی اشباع‌شدن از تعداد افراد مورد مطالعه اهمیت بیشتری دارد، بدین معنی که پژوهشگر جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد و تا زمانی مصاحبه‌ها را ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری شده قبلی اضافه نشود؛ به عبارت دیگر داده‌های گردآوری شده به اشباع نظری برسند (عظیمی دلارستانی، رضوی و برومند، ۱۳۹۷). روند کار به گونه‌ای بود به مصاحبه‌شوندگان اجازه داده می‌شد و از آنها درخواست می‌شد تا درباره جزئیات مربوط به موضوع اصلی به اندازه فهم، شناخت و تجربه‌های خود اظهار نظر کنند

و جهت اجرا از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. در نتیجه با در نظر گرفتن نکات فوق در مجموع در این پژوهش به روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ۱۸ مصاحبه انجام و ضبط گردید. به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل‌ها، تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس هر مصاحبه به طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شد. پژوهشگر هر مصاحبه ضبط شده و یادداشت‌های مرتبط با آن را بلافاصله در چند ساعت اول با دقت و سطر به سطر مطالعه کرده و مفاهیمی که به ذهن می‌رسید را یادداشت می‌نمود. لازم به ذکر است که مدت هر مصاحبه با توجه به میزان تمایل پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان بین ۵۰ تا ۶۰ دقیقه در نظر گرفته شد. به منظور تسهیل در فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها از نرم افزار MAXQDA استفاده گردید.

داده‌های این پژوهش بر اساس مدل اشتراوس و کوربین^۱ (۲۰۱۴) در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی (انتخابی) انجام شد: الف) در کدگذاری باز، عمل مفهوم‌سازی صورت می‌گیرد؛ به این صورت که یادداشت‌های جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه‌ها و ضبط جلسات مشاوره بازخوانی می‌شود و جملات و کلمات اصلی بیرون کشیده می‌شود. سپس عبارت‌ها و جمله‌هایی که ماهیت مشابه دارند با یکدیگر ادغام می‌شوند و زیر طبقه‌ها شکل می‌گیرند. ب) در مرحله کدگذاری محوری، زیر طبقه‌های شکل گرفته مرحله قبل دسته‌بندی می‌شوند و طبقه‌های جامع و مانع شکل می‌گیرند. ج) در مرحله کدگذاری انتخابی، تمام مراحل به صورت توأم مورد توجه قرار می‌گیرد و مفهوم اصلی که داده‌ها را حول یک محور قرار می‌دهند، شناسایی می‌شوند (ترتی، تاجیک اسماعیلی و خسروی، ۱۳۹۸). سپس مصاحبه بعدی انجام و مراحل فوق برای آن نیز تکرار می‌شود. در روش گراند‌تئوری فرآیند رفت و برگشتی تا زمان اشباع نظری ادامه داشت. به منظور احراز اعتبارپذیری تحقیق از تکنیک‌های کسب اطلاعات دقیق موازی، خودبازبینی محقق، عینیت‌پذیری، و تاییدپذیری استفاده گردید. همچنین قبل از کدگذاری مصاحبه‌های مکتوب شده به فرد مصاحبه شونده بازگردانده شد تا آن را بررسی

و مرور نماید و در صورت صحت آن مفاهیم را تایید نهایی نماید. در نهایت کدگذاری‌ها در قالب پارادایمی مرکب، از شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط میانجی، استراتژی و پیامد، حول مقوله مرکزی تشکیل می‌شود. ملاحظات اخلاقی شامل ارائه کامل و شفاف اطلاعات به شرکت کنندگان و حضور داوطلبانه آنها در مطالعه، رازداری و حفظ حقوق شرکت کنندگان، اجتناب از آسیب‌رساندن و تبعیض، مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، علمی و آموزشی توسط پژوهشگران، کسب اجازه از شرکت کنندگان و ذکر نام آنها به صورت مستعار و گمنام ماندن بود. همچنین ملاک‌های ورود شامل داشتن دامنه سنی بین ۲۵-۴۵ سال، رضایت افراد انتخاب شده به شرکت در مصاحبه، دارای همسر مصرف‌کننده مواد، جنسیت زن؛ و ملاک‌های خروج شامل مبتلا بودن به یک اختلال یا بیماری، عدم تمایل و رضایت به شرکت در جلسه مصاحبه بود.

ملاک‌های ارزشیابی پژوهش

جهت ارزشیابی پژوهش و به منظور احراز اعتبارپذیری تحقیق از چهار معیار ارزشیابی پژوهش‌های کیفی، که با چهار معیار پژوهش‌های کمی پیوند داده شده و جفت شده که در زیر آمده، استفاده گردید.

جدول ۱: تناظر معیارها برای پژوهش کمی و کیفی جهت ارزیابی یافته‌های حاصل از پژوهش

معیار پژوهش معیار پژوهش کمی	تعریف	شیوه اطمینان از کیفیت
روایی درونی ^۱ قابلیت باور ^۱	میزانی که نشان می‌دهد تفسیرها تحت تأثیر اطلاعات نادرست یا مقاومت و طفره رفتن مصاحبه شوندگان قرار نگرفته است.	بازبینی مشارکت کنندگان و یک نفر روانشناس متخصص در زمینه اعتیاد، بازنگری مکرر، مشاهده مداوم.
روایی بیرونی قابلیت انتقال ^۲	میزانی که امکان به کارگیری یافته‌های تحقیق را در موقعیت‌های مشابه دیگر و تعمیم آنها را نشان می‌دهد.	وصف مفصل محیط و شرکت کنندگان و محدودیت‌های شرکت کنندگان، کفایت اطلاعات جمع‌آوری شده و مدت زمان صرف شده برای جمع‌آوری اطلاعات.
اعتبار قابلیت اطمینان ^۳	میزانی که انحصار یافته‌ها به زمان و مکان را نشان می‌دهد؛ و ثبات در تبیین‌های موردنظر صورت گرفته است.	جزئیات مربوط به جمع‌آوری اطلاعات و اجرای آن، مستندسازی پژوهشگر در خصوص داده‌ها، روش‌ها و تصمیمات.

1. Plausibility
2. Transerability

3. Dependability

جدول ۱: تناظر معیارها برای پژوهش کمی و کیفی جهت ارزیابی یافته‌های حاصل از پژوهش

معیار پژوهش کمی	معیار پژوهش کیفی	تعریف	شیوه اطمینان از کیفیت
عینیت	قابلیت تایید ^۱	میزانی که نشان می‌دهد تا چه حد تفسیرهای صورت گرفته برآمده از نظر مصاحبه شوندگان است و تحت تأثیر سوگیری و ذهنیت محقق نبوده است.	دلیل و مبنای انتخاب روش پژوهش و روش تحلیل، چند جانبه نگری برای داده‌ها، پژوهشگر و زمینه.

یافته‌ها

این مطالعه با مشارکت ۱۸ نفر زن که همسر آنها دارای سوء مصرف مواد و اعتیاد بوده انجام شد که اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت شناختی

شماره	سن	تعداد فرزندان	تحصیلات	ماده مصرفی همسر	سالهای زندگی مشترک
۱	۲۶	۱	لیسانس	تریاک	۷
۲	۳۷	۲	دبیرستان	تریاک	۱۷
۳	۳۱	۳	فوق دیپلم	تریاک	۱۲
۴	۳۲	۲	دیپلم	هرویین	۱۴
۵	۲۹	۱	دیپلم	تریاک	۴
۶	۴۰	۲	دبیرستان	تریاک	۲۵
۷	۳۴	۲	فوق دیپلم	تریاک	۱۳
۸	۲۷	۱	لیسانس	تریاک-هرویین	۴
۹	۲۷	۲	دیپلم	تریاک	۹
۱۰	۲۶	۱	دیپلم	تریاک	۴
۱۱	۲۶	-	لیسانس	تریاک	۳
۱۲	۳۰	۲	دبیرستان	تریاک	۱۲
۱۳	۳۴	۱	ابتدایی	شیره	۱۹
۱۴	۳۸	۳	متوسطه	تریاک	۱۴
۱۵	۴۰	۲	متوسطه	تریاک	۱۳
۱۶	۲۵	۱	لیسانس	تریاک	۳
۱۷	۲۶	-	لیسانس	تریاک-شیره	۲
۱۸	۳۰	۱	ابتدایی	تریاک	۱۴

تجزیه و تحلیل این پژوهش بر اساس دستورالعمل‌های استراس و کوربین (۱۳۹۰) شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت که در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری خیانت زناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد با کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل زمینه‌ساز	عوامل - فردی	صفات شخصیتی، تفکرات غیرمنطقی و باورهای غلط، استعداد ارثی، عاطفه منفی زیاد، عاطفه مثبت کم، ناهماهنگی شناختی، خودشفقت‌ورزی پایین، فقدان عشق، عدم ایمان، تعهد هراسی، عدم دانش و آگاهی لازم، مسئولیت‌پذیری پایین، مسئولیت‌گریزی، آزادی، عدم خودکنترلی رفتاری، هوش معنوی پایین، کسب لذت، بی‌بندوباری، گریز از معمولی بودن، سرگردانی، حس انتقام، بی‌معنایی، تجارب قبل از ازدواج، جدال و کشمکش با تنهایی وجودی، احساس تنهایی
عوامل روانی	عوامل - روانی	نگرش و باورهای منفی، فرار از بوجی، احساس نیاز به همدم، فشار روانی زیاد، تفاوت سنی، دوست نداشتن رابطه با همسر، عدم احساس خوشبختی، استرس و اضطراب شدید، سبک‌مقابله‌ای هیجان‌مدارانه، خلق پایین، افسردگی، عزت‌نفس پایین، اعتماد به نفس پایین، ناامیدی، هویت سردرگم، خشونت، پرخاشگری، عدم برآورده شدن نیازها، قدرت تحمل کم، خودآگاهی کم، بی‌وفایی از سرلجباری، خودفروبی، انتظارات بالا، تجمل‌گرایی، عادی جلوه دادن رابطه، روزمرگی، احساس گمگشتگی، عادی توجیه نمودن خیانت، تکبر و خودپسندی
عوامل بین فردی	عوامل فردی	کنترل بیش از حد، نداشتن نظافت شخصی همسر، سوطن، توهین، اهمیت ندادن همسر به زندگی، اهمیت ندادن همسر به بچه‌ها، متروزی شدن از جمع خانواده، عدم پذیرش از جانب خانواده پدری، طرد، همانندسازی افراطی با سایر افراد، فقدان مهارت‌های ارتباطی لازم، کنترل کم، فقدان مهارت حل مسئله، فقدان مهارت کنترل خشم، جلب توجه دیگران، نداشتن مهارت نه‌گفتن، عدم عشق اصیل، دروغگویی همسر، هیجان‌خواهی، قیاس‌بندی‌های نادرست، تفاوت ظاهری، عدم درک و همدلی، کم حرف بودن همسر
عوامل آشکارساز	عوامل - خانوادگی	آسیب خانوادگی، محیط ناامن خانواده، الگوی خیانت در خانواده، کارکرد ضعیف خانواده، جبر، سلطه‌گری و خشونت در خانواده، عدم حمایت‌گری در خانواده، عدم هدایت‌گری در خانواده، احساس بی‌پناهی، احساس تنهایی، خشونت خانوادگی، ازدواج بدون علاقه، عدم نظارت خانواده، جلب توجه خانواده، فقدان احساس مسئولیت در خانواده، بی‌قیدی خانواده، تنش و آشوب در خانواده، مشکلات زناشویی، وقت نگذاشتن کافی برای خانواده، اهمیت دادن به مواد و خانواده بیشتر از خود، جدال و کشمکش
عوامل خطر	عوامل	چت‌های شهوانی، حس انتقام، اهانت همسر، درگیری‌های شدید فضای مجازی، ناتوانی‌های جنسی، اعتیاد به فضای مجازی، مشاخره، بداخلاقی، فحاشی در خانواده،

جدول ۳: عوامل تاثیر گذار در شکل‌گیری خیانت‌زناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد با کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
رفتارهای توهین آمیز، رفتارهای تحقیر آمیز، خشونت، عدم کنترل همسر، تداوم مصرف مواد، اعتیاد و بیکاری همسر، محیط شغلی نامناسب، رابطه با دوستان	عوامل	عوامل تداوم بخش
عادی بودن روابط فرازناشویی، فریب خوردن، عدم پذیرش در بین دوستان، طرد - اجتماعی، مشکلات مالی، همانندسازی افراطی، بیکاری همسر، استرس شغلی، مشکلات معیشتی، کمبود رفاهیات، نبود حمایت اجتماعی، آموزش ناکافی در اجتماع، ابهام نقش، فشار اجتماعی، تعاملات ناکارآمد، دید منفی اجتماع نسبت به همسر فرد مصرف‌کننده مواد، دید منفی اجتماع نسبت به فرد مصرف‌کننده مواد، سواستفاده ابزاری، چشم و هم چشمی در روابط فرازناشویی و خیانت، نگرش مثبت نسبت به خیانت، کارکردن در محیط‌های پرخطر، فضای نامناسب اجتماعی، فضای مجازی ناامن	عوامل - فرهنگی	عوامل - فرهنگی
اعتقادات مذهبی ضعیف، دوری از معنویت، پذیرش به عنوان جزئی از زندگی، نگرش - مثبت نسبت به رابطه، نبود سیستم‌های خدماتی و مشاوره‌ای، کمبود امکانات فرهنگی، انتظار خوشی و لذت از زندگی، از بین رفتن قبح خیانت	عوامل	عوامل
عوامل مرتبط به محل سکونت، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، کمبود امکانات تفریحی - ورزشی، ارتباط با محیط‌های مستعد، نبود سیستم حمایتی، احساس تبعیض، اجبار به خاطر فقر	عوامل	عوامل
نادیده گرفته شدن، نداشتن ابراز محبت، عدم درک متقابل عاطفی، توجه ناکافی، توجه ابزاری، تلافی بی توجهی‌های همسر، بی‌مחلی، شلختگی، توجه نکردن به ظاهر، رابطه عاطفی نامناسب، کمبود محبت در خانواده، یکنواخت بودن رابطه، محیط خشک، رابطه سرد و بی روح، تلافی آزار و اذیت‌های همسر، جست و جوی وسواسی عشق، عشق توخالی، بی‌غیرتی همسر	عوامل	عوامل
مشکلات جنسی همسر، جذابیت نداشتن در رابطه، جذابیت نداشتن همسر به دلیل بی توجهی به ظاهر، امتناع از رابطه جنسی، ناتوانی جنسی همسر، نداشتن جذبه جنسی، کاهش رابطه جنسی، کم توانی، امتناع از رابطه جنسی، رابطه از سر اجبار، عدم علاقه به رابطه، تاثیر اعتیاد بر رابطه، عدم لذت جنسی از رابطه با همسر خود، نارضایتی عاطفی، کنجکاوای جنسی	عوامل جنسی	عوامل جنسی

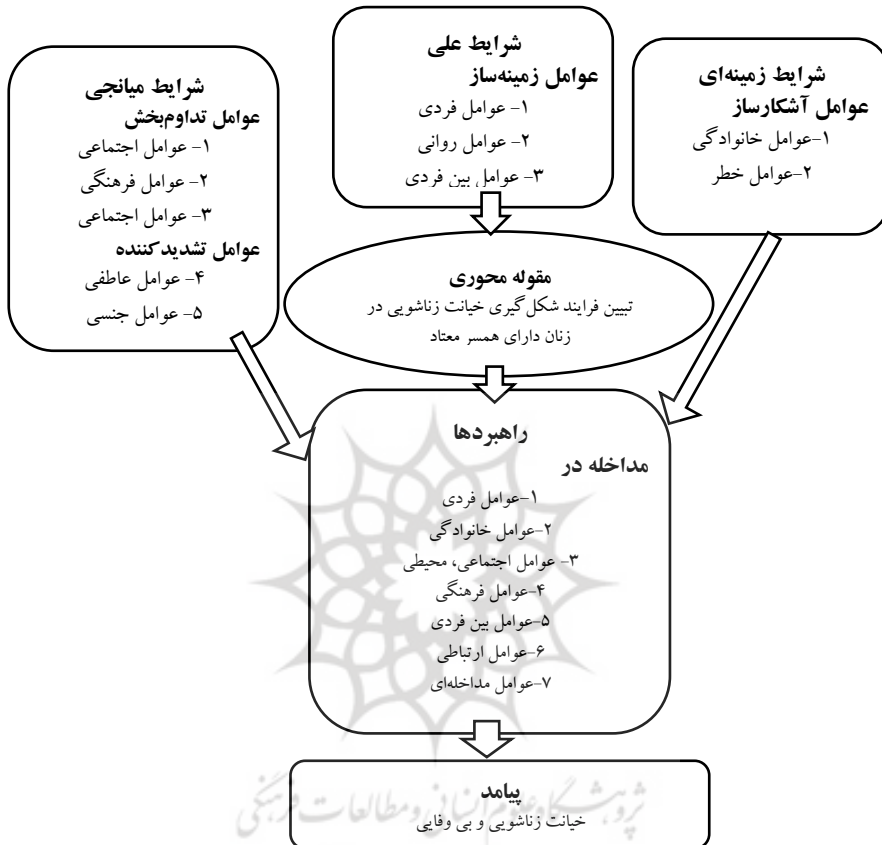
براساس یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، راهکارهای پیشنهادی جهت پیشگیری

از خیانت زناشویی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: راهکارهای تاثیرگذار بر پیشگیری از شکل‌گیری خیانت زناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد

طبقه بندی	راهکارها
عوامل - فردی	افزایش خودآگاهی، افزایش خودشناسی، افزایش خویشتن‌داری، شناسایی نقاط ضعف و قوت، قدرت تعیین اهداف زندگی، ایجاد انگیزه برای رسیدن به اهداف، تقویت قدرت تفکر، شناسایی باورهای غلط، پرهیز از تجمل‌گرایی، افزایش اعتمادبه نفس، افزایش عزت‌نفس، شناخت عواطف و احساسات شخصی، تقویت توانایی ادراک خویشتن، مهارت مسئله‌مداری در حل مشکلات
عوامل - خانوادگی	پذیرش و احترام به تفاوت‌های فردی، نگاه سیستمی به مشکلات، سرزنش نکردن همسر، دنبال مقصر نبودن، استفاده از خرد جمعی در خانواده، سبک دلبستگی ایمن، ارتباطات عاطفی بین اعضا، بهبود و ارتقا مهارت‌های ارتباطی موثر بین اعضا، تقویت هویت یابی و تلاش برای کسب هویت، تقویت ابراز وجود و ایفای نقش، آموزش رفتارهای منطقی و مبتنی بر واقعیت در خانواده، تعدیل انتظارات، برخورد منطقی والدین، عدم تبعیض، دادن مسئولیت به فرزندان با در نظر گرفتن توانمندی و متناسب با سن، برخورد و تعامل صحیح والدین با در نظر گرفتن توانمندی و متناسب با سن، رهیافت عملگرایی در حل مسائل، حل مشکلات در درون خانواده
عوامل - اجتماعی	آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش مهارت جرات‌ورزی و حل مسئله، آموزش مقابله با استرس، آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر، آموزش راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار، افزایش تاب‌آوری، آگاهی دادن از تبعات خیانت، تعمیم یادگیری‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی برابر و مناسب، نظارت بیشتر بر محیط‌های مستعد
عوامل فرهنگی	افزایش امکانات و فضاهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی، تقویت معنویت، نمایان کردن ارزش‌های فرهنگی، اتکا و اتصال به ارزش‌های فرهنگی، مدیریت فضای مجازی، فاصله گرفتن از شبکه‌های مخرب ماهواره، بی‌اهمیت جلوه دادن فرهنگ‌های بیگانه، آگاهی دادن از طریق رسانه، مدرسه و دانشگاه، پخش برنامه تلویزیونی آموزنده، اهمیت دادن به نظر افراد مجرب، طرد نشدن خانواده افراد وابسته به مواد در جامعه، ارائه راهکارهای علمی
عوامل بین فردی	شناخت احساسات خود و دیگران، آموزش ارتقا هوش هیجانی، آموزش مهارت نه گفتن، راهبرد و سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار، حفظ ارتباط‌های موثر با دیگران، قدرت تنظیم احساسات، توانایی خویشتن‌داری عاطفی در مقابل وسوسه، مهارت‌های ارتباطی موثر با دیگران، مشورت و همفکری
عوامل ارتباطی	مهارت برقرای ارتباط موثر، توجه به نیازهای همدیگر در محیط خانه، ابراز محبت، ایجاد کانون گرم، درک متقابل عاطفی، اهمیت دادن به همدیگر، توجه به بعد ظاهر، توجه به نظافت شخصی، شناخت نیازهای همسر، تلاش در برآورده نمودن نیازهای همدیگر، ایجاد علاقه به رابطه
عوامل مداخله‌ای	استمرار درمان و پیگیری در درمان اعتیاد، استفاده از درمان‌های علمی، استفاده از پروتکل درمانی جامع و واحد، استفاده از تجربه کشورهای موفق در درمان، پررنگ نمودن ارزش‌های فرهنگی حاکم، استفاده توأمان درمان‌های روان‌شناختی و سیستمی و دارودرمانی، استفاده از سیستم‌های حمایتی، خدماتی

در شکل ۱ مدل نظری عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد با رویکرد گراند تئوری ارائه شده است.



شکل ۱: مدل کیفی تبیین فرایند شکل‌گیری خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد با رویکرد گراند تئوری

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف تبیین فرایند شکل‌گیری خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد انجام گرفت که نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که عوامل فردی، روانی و عوامل بین‌فردی (عوامل زمینه‌ساز) به عنوان شرایط علی؛ عوامل خانوادگی، عوامل خطر (عوامل آشکارساز) به عنوان شرایط زمینه‌ای؛ عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل محیطی (عوامل تداوم‌بخش) و عوامل عاطفی، عوامل جنسی (عوامل تشدیدکننده) به عنوان شرایط واسطه‌ای و مداخله‌ای در خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد

تاثیر گذار هستند؛ که در مجموع این عوامل در فرد تاثیرات بدنی و جسمی، تاثیرات روانی و خلقی، تاثیرات شناختی، تاثیرات رفتاری به جای خواهد گذاشت و زمینه آسیب‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و مشکلات خانوادگی را ایجاد می‌کند که در مجموع از یافته‌های پژوهش حاضر ۴ کدانتخابی، ۱۰ کد محوری و ۱۶۷ کد باز استخراج شد.

طبق دیدگاه شرکت کنندگان عوامل فردی و روانی یکی از عوامل فرایند شکل‌گیری خیانت‌زناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹)، ژیان‌پور و بهارلویی (۱۳۹۹)، صمدی‌کاشان و همکاران (۱۳۹۸)، حدیدی و حدیدی (۱۳۹۸)، عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۴)، و اراج و همکاران (۲۰۱۸)، استیرمان و همکاران (۲۰۱۹) و بیلتران-موریلاس و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد که در تبیین این یافته‌ها می‌توان به مکانیزم دفاعی توجیه اشاره نمود، با توجه به اینکه همسران این زنان مصرف‌کننده مواد مخدر بوده و دارای سوء‌مصرف می‌باشد در نتیجه زنان دارای همسر وابسته به مواد فعل‌خیانت و درگیر شدن در روابط فرازناشویی و خیانت را برای خویشتن به عنوان یک عمل مطلوب توجیه می‌کنند و به گونه‌ای کنار آمدن با آن را به دور از هرگونه تنش و دشواری در نظر می‌گیرند؛ در نتیجه قبیح و زشت بودن خیانت برای فرد قابل توجیه جلوه‌گری می‌کند؛ لذا فرد از طریق مکانیزم‌های توجیه‌کننده به صورت شناختی و رفتاری سعی در کنار آمدن با فعل خیانت داشته و بدین شکل آن را برای خویشتن قابل پذیرش می‌داند. همچنین می‌توان بیان نمود زمانی که فرد درگیر خیانت و روابط فرازناشویی می‌گردد، متاثر از اخلاقیات و عرف و ارزش‌ها دچار تنش و عذاب وجدان می‌گردد؛ در نتیجه فرد برای تسکین خود و کاهش این تنش‌ها به راهبردهای توجیهی متوسل شده و ضعف‌های ارتباطی و ناتوانی نیازهای عاطفی و جنسی و حتی مصرف مواد مخدر همسر خود و کم‌کاری همسر را مسئول خیانت خود معرفی می‌کند؛ در نتیجه تشدید مصرف مواد از جانب همسر می‌تواند زمینه خیانت را ایجاد نماید. همچنین می‌توان بیان نمود فردی که همسر وی درگیر اعتیاد است و حتی فردی که دچار اعتیاد است، فردی است که زندگی را بی‌معنا می‌بیند و احساس می‌کند به آخر خط زندگی خود رسیده است، بدون اینکه به ارزش و هدف زندگی پی‌ببرد. افزون بر این، می‌توان گفت

وقتی فرد به علت مسائل و مشکلاتش زندگی را بی‌معنا می‌پندارد، دچار ناامیدی، عدم کارایی و بدبینی می‌شود، زندگی را سراسر هراس می‌بیند که به هیچ روشی نمی‌تواند بر این هراس خود غلبه کند، خود را موجودی دست و پا بسته در مقابل حوادث روزگار می‌بیند؛ در نتیجه ممکن است زمینه مشکلات زنشویی ایجاد گردد و فرد برای فرار از مشکلات به روابط فرازناشویی رو آورد (خالدیان، ۱۳۹۶). پیشنهاد می‌گردد که روان‌شناسان و مشاوران حوزه خانواده و خانواده‌درمانی از برنامه آموزشی غنی‌سازی زندگی زنشویی استفاده نمایند که به افراد و خانواده‌ها آموزش دهند تا با آموختن نحوه شناسایی خود و دیگران، شناخت شخصیت‌ها، تشخیص و تفکیک هیجان‌ها، با بالا بردن خودآگاهی هیجانی در خود و دیگران، با آموزش کنترل کردن انواع هیجان‌ها خوشایند و ناخوشایند، با آموختن نحوه گوش‌دادن فعال و همدلی و با آموزش نحوه کنترل‌تکانه و خشم و خویشتن‌داری هیجانی، با آموزش شناسایی و حل مسائل هیجانی زمینه را برای کاهش مشکلات زنشویی و خیانت‌زنشویی و کاهش سوء‌مصرف مواد و اعتیاد فراهم سازند.

طبق دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل بین فردی و ارتباطی یکی از عوامل فرایند شکل‌گیری خیانت‌زنشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹)، ژیان‌پور و بهارلویی (۱۳۹۹)، حدیدی و حدیدی (۱۳۹۸)، واراچ و همکاران (۲۰۱۸)، بیلترا - موریللاس و همکاران (۲۰۱۹)، همسو می‌باشد که در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان نمود با توجه به اینکه فرد مصرف‌کننده مواد امکان دارد از روابط کناره‌گیری نماید و یک ناهمخوانی میان انتظارات و ایده‌آل‌های افراد از یک سو و واقعیات از سوی دیگر ایجاد می‌گردد و با عدم تعادل میان منابع و تقاضا شروع می‌شود و این ناهمخوانی ممکن است زمینه خیانت‌زنشویی را ایجاد نماید و از آنجا که خیانت‌زنشویی کاهش عشق و علاقه و افزایش رفتارهای خصمانه را بدنبال دارد، می‌تواند به نارضایتی زنشویی منجر شده و بنیان خانواده را متزلزل سازد و حتی اعتیاد را نیز تشدید نماید. همچنین در زندگی صمیمیت زوجها برای ساختن یک زندگی همراه با رضایت‌مندی است و اعتیاد مانعی برای صمیمیت است و اصطلاح صمیمیت، در واقع بر

واژه‌هایی مانند تمایل، درگیری، هیجان و احساسات تأکید دارد. عوامل مختلفی در صمیمیت زوج‌ها دخیل است که خود به اهمیت موضوع در زندگی می‌افزاید. ارتباط صمیمانه با شاخص‌های اعتماد متقابل، محبت، ارتباط باز، مقبولیت، عذرخواهی، بخشش و مراقبت، زیربنای سلامت در صمیمیت زناشویی است. بنابراین یک ازدواج شاد و خیال‌پردازانه (رمانتیک) ازدواجی است که در آن همسران هم در بعد جنسی و هم در بعد غیرجنسی رشد پیدا کنند (قادری، رفاهی و باغبان، ۱۳۹۴). در نتیجه زوجین ممکن است از الگوی ارتباطی اجتناب متقابل که در طی آن زوج‌ها هر دو سعی می‌کنند از بحث کردن درباره مشکل دوری کنند و یا الگوی ارتباط توقع/کناره‌گیری استفاده نمایند که در طی آن یکی از زوج‌ها سعی می‌کند به وسیله انتقاد کردن، غر زدن یا پیشنهاد تغییر دادن دیگری را وارد بحث درباره مشکل نماید در حالی که دیگری سعی می‌کند بحث را تمام کند (عباسی، مدنی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۳)؛ در نتیجه برای بقای زندگی و رضایت‌مندی تلاش کمتری می‌کنند و ممکن است زمینه خیانت زناشویی ایجاد گردد. با توجه به اینکه رابطه زناشویی مهمترین منبع در کسب لذت، آرامش و صمیمیت است، پیشنهاد می‌گردد که از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر بین زوجین و روش‌های مختلف خانواده‌درمانی و حتی آموزش‌های خاص به زوجین آموزش داده شود که ایجاد لذت و آرامش زوجین برای همدیگر و همچنین صمیمیت جنسی متقابل بر رضایت از زندگی آنها تأثیر می‌گذارد و زوجین به این دیدگاه برسند که روابط جنسی و زناشویی یکی از منابع قوی دستیابی به رضایت‌مندی زناشویی می‌باشد و زوجین از این قضیه غافل نباشند. همچنین به زوجین کمک کنند تا با تمرکز بر روابط، زندگی هدفمندتری داشته باشند و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به هم داشته باشند و نسبت به زندگی دید امیدوارانه‌تری پیدا نموده که با امید و انگیزه بیشتری اقدام به کار و فعالیت نموده که این نیز می‌تواند در بهبود وضعیت و شرایط زندگی فردی و خانوادگی، فرد را کمک نماید.

طبق دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل خانوادگی یکی از عوامل فرایند شکل‌گیری خیانت زناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹)، ژیان پور و بهارلویی (۱۳۹۹)، عبدالملکی و همکاران

(۱۳۹۴)، و اراج و همکاران (۲۰۱۸)، بیلتران-موریلاس و همکاران (۲۰۱۹)، همسو می‌باشد که در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز اشاره نمود که از طرفی با توجه به اعتیاد همسر ممکن است کارکرد سازگاری یا انطباق خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجه شود و فرد مصرف‌کننده و درگیر مواد مخدر نتواند درگیر کار و تامین معاش زندگی گردد؛ در نتیجه خانواده نمی‌تواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند نظام خانواده سست می‌شود و در نتیجه زوجین برای پرکردن خلأ عاطفی درون خانواده به روابط خارج از نظام خانواده روی می‌آورند. از سوی دیگر مواردی مانند نبود سلامت جسمی و روانی می‌تواند خانواده را از لحاظ رسیدن به اهداف مطلوب دور کند که اعتیاد می‌تواند یکی از این عوامل باشد که می‌تواند مانعی برای رسیدن به اهداف باشد و با توجه به اینکه اعتیاد باعث می‌شود که خانواده نتواند توانایی‌ها و نیروهایش را برای رسیدن به اهداف تعیین شده به کار گیرد در نتیجه بی‌هدفی و پوچی درون خانواده می‌تواند زمینه روابط فرازنشویی را ایجاد نماید. همچنین ممکن است در اثر مصرف مواد مخدر و اعتیاد قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرایی خود را از دست بدهد و دیگر فرد تعهد و مسئولیتی را احساس نکند؛ در نتیجه کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود که این مسئله نیز می‌تواند زمینه روابط فرازنشویی را ایجاد نماید؛ و ممکن است در اثر مصرف مواد مخدر مرد خانه، در همسران و ترجیحا در خانم انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده باقی نمانده باشد و کارکرد فرهنگی خانواده دچار آسیب گردد؛ در نتیجه الگوها و چشم و همچشمی‌ها، آسیب‌زا گشته و زن و مرد با به وجود آمدن کوچکترین اختلافی آمادگی گسستن پیوند زناشویی را دارند، در این صورت اختلافات جزئی درون خانواده (که بعضی مواقع طبیعی به نظر می‌رسند) زمینه اختلافات شدید و جدایی عاطفی را ایجاد نمایند و افراد برای بقای زندگی و حل اختلافات به دنبال راهکار نمی‌گردند که ممکن زمینه خیانت و روابط فرازنشویی ایجاد گردد (تاج‌بخش، محمد میرزایی و حسینی، ۱۳۹۹). پیشنهاد می‌گردد درمانگران خانواده، در بحث ارتقای سلامت زندگی زوجین، راهکارهایی برای کاهش آسیب‌هایی که سلامت خانواده را به مخاطره می‌اندازد، ارائه دهند و همچنین پیشنهاد می‌گردد که در کلینیک‌های ترک اعتیاد

و نگهدارنده به درمان اعتياد نگاه سيستمي داشته باشند و از برنامه‌هاي زوجي و زوج‌درماني به جاي برنامه‌آموزشي فردي استفاده نمايند. همچنين پيشنهاد مي‌گردد از طريق درمان‌هاي روان‌شناختي مختلف از جمله معنادرماني به کاهش مشكلات زوجين مبادرت ورزيد و با توجه به اينكه معنادرماني فرد را توانا مي‌سازد تا با دشواري‌هاي اساسي زندگي رودررو شود و به بهزيستي و سلامت روان و بهداشت روان فردي و خانودگي برسد، كه اين نيز مي‌تواند منجر به کاهش دلزدگي زناشويي و افزايش رضايتمندي زناشويي در افراد وابسته به مواد گردد كه اين تغيير شرايط مي‌تواند فرد را ياري دهد تا مصرف مواد مخدر را کاهش دهد و حتي زمينه کاهش خيانت و روابط فزازناشويي را ايجاد نمود.

طبق ديده‌گاه شركت‌كنندگان عوامل خطر يكي از عوامل فرايند شكل‌گيري خيانت زناشويي در زنان داراي همسر وابسته به مواد مي‌باشد كه با نتايج پژوهش‌هاي ژيان پور و بهارلويي (۱۳۹۹)، حديددي و حديددي (۱۳۹۸)، عبدالملكي و همكاران (۱۳۹۴)، و اراج و همكاران (۲۰۱۸)، همسو مي‌باشد كه در تبين اين يافته‌ها مي‌توان بيان نمود كه شبكه‌هاي ماهوارهاي در فيلم‌ها و سريال‌هاي خود، با كاشت نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و ادراك خود، تصاويري از زندگي به مخاطبان خود ارائه مي‌دهند كه مي‌تواند الگوهاي آن‌ها از يك خانواده خوب و همسر ايده‌آل را به طور كلي دستخوش تغيير سازد و سبكي نو از زندگي را ارائه دهد كه در آن زدودن تقوا، حيا، شرم، وفاداري، تعهد، حس مسئوليت، ايجاد حس رقابت جنسي و تفكر آزاداندوشي را در درجه اول اهميت قرار دهد؛ بنابراین خيانت زناشويي به صورت عادي جلوه‌گري نمايد كه اين امر موجب مي‌شود افراد به لحاظ جنسي و عاطفي تنوع طلب شوند (تاج‌بخش، ۱۴۰۰)؛ در نتيجه آسيب‌هاي مختلف مي‌توانند علل و معلول همديگر باشند و در تبيني ديگر مي‌توان بيان نمود كه با توجه به اينكه شبكه‌هاي اجتماعي و همسالان از منابع مهم نفوذ اجتماعي هستند كه مي‌توان آنها را از جمله عوامل مهم تاثيرگذار بر رفتارهاي افراد به حساب آورد و زماني كه دوستان و آشنايان به راحتی و بدون احساس گناه وارد روابط خارج از چهارچوب زندگي زناشويي مي‌شوند، نزديكان آنها نيز ممكن است با مشاهده و الگوگيري و كمرنگ شدن تدريجي نگرش‌ها و باورهاي فردي كه مانع رفتار خيانت است، به اين كار اقدام كنند. گسترش

استفاده از گوشی و فضای مجازی و ساده شدن روابط با افراد ناآشنا و گستردگی روابط موجب شده است که فرصت برقراری ارتباط جدید با دیگران بیشتر فراهم گردد و اینکه افراد شاهد رفتارهای هنجارشکنانه بیشتری از دوستان خود و سایر افراد جامعه باشند که این امر می‌تواند منجر به کاهش استحکام نگرش‌ها و باورهای منفی نسبت به این رفتارها شود. تغییرات سریع در تحولات اجتماعی و استفاده روز افزون از گوشی‌های همراه و فضای مجازی، تفاوت افراد در استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نقش آنها در روابط افراد از جمله عواملی است که می‌توانند با باورهای افراد نسبت به تعهد زناشویی و خیانت مرتبط باشند (انوری و آزادی، ۱۴۰۱). همچنین می‌توان بیان نمود که استفاده مفرط از تلفن همراه مرتبط با الگوهای رفتاری دیگر از جمله بیدار ماندن در شب و اشتغال به تبادل پیام کوتاه و چت کردن، زمینه وابستگی عاطفی و عادت را برای فرد ایجاد نماید و در موازات با آن ممکن است که همسر نیز در همان زمان و موقعیت مشغول مصرف مواد مخدر باشد و بجای برآورده کردن نیازهای همدیگر فقط به خواسته‌های شخصی و فردی اهمیت دهند و هر دو در یک سیکل معیوب قرار گیرند که هم اعتماد مرد تداوم پیدا نماید و هم خیانت زناشویی برای زن به عنوان حق طبیعی در نظر گرفته شود؛ در نتیجه پیشنهاد می‌گردد باتوجه به اینکه استفاده افراطی از گوشی همراه در برخی موارد در امور زندگی عادی فرد و حتی حالات و روحيات وی تداخل و به هم‌ریختگی ایجاد می‌کند و باعث کاهش روابط فامیلی و تعاملات اجتماعی و احساس تنهایی و سایر مشکلات می‌شود؛ استفاده از گوشی و فضای مجازی به صورت کنترل شده و حساب شده باشد. همچنین شیوه‌های صحیح مقابله با استرس و آموزش تاب‌آوری پیشنهاد می‌گردد تا زوجین بتوانند در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به شیوه‌ای منطقی و معقول برخورد نمایند.

طبق دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل محیطی یکی از عوامل فرایند شکل‌گیری خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹)، ژیان‌پور و بهارلویی (۱۳۹۹)، حدیدی و حدیدی (۱۳۹۸)، صمدی‌کاشان و همکاران (۱۳۹۸) و عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد که در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان نمود که محیط زندگی اجتماعی مملو

و سرشار از تغییر و تحولات گوناگون است که هر کدام از این تغییرات و تحولات می‌توانند فشارها و تنش‌های زیادی به زوج وارد کنند و زندگی زناشویی را به چالش بکشانند و فضا را برای آنها دشوار و خسته‌کننده سازند؛ در نتیجه افرادی که تاب‌آوری و مهارت مدیریت استرس داشته باشند، می‌توانند با موقعیت‌های مختلف در شرایط مختلف خود را سازگار نمایند و انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهند که این امر ممکن است در زوجینی که دارای مصرف مواد مخدر هستند کمتر رخ دهد و نسبت به افراد عادی، هیجان‌های مثبت و منفی را با شدت بیشتری تجربه کنند؛ در نتیجه زمینه خیانت زناشویی را ایجاد نماید و حتی در مواقع مختلف و در موقعیت‌های مختلف و بحرانی، توانایی درک همسر و همدردی به درستی اتفاق نمی‌افتد و عوامل فشارزای بیرونی تأثیرات مخرب‌تری به جای خواهد گذاشت که این نیز می‌تواند مزید بر علت باشد. پیشنهاد می‌گردد، جهت آشناسازی افراد جامعه با اعتیاد و عوارض آن کارگاه‌های آموزشی برگزار گردد و مسئولین، متخصصان و دست‌اندرکاران دانشگاه‌ها و جامعه، برنامه مدون و جامعی را برای کاهش مصرف مواد در جامعه تدوین کنند. همچنین در تبیین دیگر این یافته‌ها می‌توان بیان نمود که بر اساس رویکرد پیوند افتراقی، عمل خوب و بد آموختنی است و از عوامل محیطی متأثر است؛ یعنی تا فرد آن را نیاموزد به فکر انجام دادن آن نمی‌افتد و آموزش از طریق ارتباط فرد با محیط صورت می‌گیرد؛ نظریه ساترلند اشاره کرد که معتقد بود انحرافات عموماً در قالب گروه‌های نخستین و در محیط‌های ناسالم آموخته می‌شود؛ همچنین تئوری کنترل اجتماعی بر این امر تأکید دارد که هر فردی پتانسیلی برای مجرم شدن دارد اما بیشتر مردم به وسیله پیوندشان با جامعه کنترل می‌شوند (یوسفی و خالیدیان، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد چشم و همچشمی، قیاس‌بندی و حتی شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای نیز می‌تواند به عنوان عوامل محیطی تأثیرگذار در خیانت‌زناشویی باشد. پیشنهاد می‌گردد تا از طریق برنامه‌های مختلف در بهبودی روابط زوجین اقدام نمود، به عنوان مثال آموزش مهارت‌های گفتگو، گوش‌دادن همدلانه و حل تعارض در فرایند غنی‌سازی روابط در هم‌آوایی و همفکری به زوج‌ها کمک می‌کند و باعث حفظ فضای محیطی و عاطفی مثبت، از خودگذشتگی و کاهش خشم و پرخاشگری می‌گردد؛ همچنین غنی‌سازی

روابط به برآوردن تمایلات عشق، دلسوزی، تعلق، وفاداری و اعتماد کمک می‌کند که برآورده شدن این تمایلات به عنوان یک کارکرد روانی-اجتماعی در روابط‌ناشویی می‌تواند محیط مراقبتی پایدار، از خودگذشتگی، عشق، صمیمیت، عزت‌نفس و رشد روانی خانواده را تقویت نماید و در موقعیت‌های مختلف فرد بتواند خود را سازگار نماید و به صورتی منطقی، خود را با شرایط و محیط‌های مختلف تطبیق دهد (قدم‌پور، یوسف‌وند و رادمهر، ۱۳۹۶).

طبق دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل عاطفی یکی از عوامل فرایند شکل‌گیری خیانت‌ناشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹)، ژیان پور و بهارلویی (۱۳۹۹)، حدیدی و حدیدی (۱۳۹۸)، واراچ و همکاران (۲۰۱۸)، استیرمان و همکاران (۲۰۱۹) و بیلتران-موریلاس و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد که در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان نمود با توجه به اینکه انگیزه اصلی برای تشکیل زندگی صمیمیت است و زوج‌هایی که صمیمیت‌ناشویی بالایی دارند، از مراقبت و حمایت روانی بیشتری برخوردارند و در محیط خانواده و اجتماع احساس رضایت‌مندی و تعاملات اجتماعی بهتری را نشان می‌دهند. از سوی دیگر این افراد از سلامت عمومی بیشتری برخوردار هستند که این می‌تواند عامل مهمی برای رضایت‌مندی زناشویی باشد؛ همچنین خانواده، یک موسسه یا نهاد اجتماعی ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است که از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان وجود تعامل سالم و سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است و عدم آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضای آنها می‌تواند منجر به عدم رضایت‌مندی در زندگی زناشویی گردد و عدم رضایت از زندگی‌ناشویی و عدم آگاهی از سبک‌های ارتباطی سازنده به منزله عدم رضایت فرد از خانواده محسوب می‌شود و عدم رضایت از خانواده به مفهوم عدم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه موجب ناسازگاری و مشکلات زناشویی و خیانت‌ناشویی خواهد بود. همچنین با افزایش احساسات منفی و کاهش احساسات مثبت، کیفیت زندگی پایین آمده و حرمت، کرامت و شان و منزلت همسر

ممکن است به خوبی حفظ نگردد و کیفیت رابطه زناشویی و رضایت زناشویی دچار کاستی گردد و به کاهش استحکام رابطه زناشویی بینجامد (دغاغله، عسگری و حیدری، ۱۳۹۱). به بیانی دیگر فردی که میزان صمیمیت پایینی دارد، قادر نیست خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به همسر خود ابراز کند و ممکن است قابلیت کمتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه ممکن است در مواجهه با مسائل و مشکلات به صورت هیجان‌مدار مواجهه گردد و به تدریج اعتیاد همسر، صمیمیت و عشق‌ورزی و دلگرمی را کم رنگ و زمینه خیانت زناشویی را ایجاد نماید؛ با توجه به اینکه انتقال روشن، صریح و مؤثر افکار، احساسات، نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای زوجین به عمق صمیمیتی که در روابطشان دارند وابسته است؛ در نتیجه امکان دارد که اعتیاد همسر و صرف زمان برای مصرف مواد مخدر، زمینه صمیمیت و عشق‌ورزی و ابراز محبت و علاقه و زمان گذاشتن برای زندگی و همسر را کمتر نماید؛ در نتیجه صمیمیت کم و عدم صمیمیت، ارتباط بد، تعهد و نکات مثبت رابطه را از بین می‌برد و زوجین رابطه صمیمانه نخواهند داشت، از توانایی لازم برای تصدیق یکدیگر، گوش دادن و پاسخ‌های غیرتدافعی به نیازهای همسر خود و تمرکز بر مسائل موجود در هنگام بروز سوء تفاهم‌ها و احساسات منفی برخوردار نخواهند بود و مقدمات شکل‌گیری بی‌اعتمادی و عدم تعهد ایجاد می‌گردد؛ در نتیجه زوجین برای تأمین و برآورده ساختن نیازهای عاطفی و روانی همدیگر تلاش نمی‌کنند، به گفته آلپورت در روابط بین زوجی همدردی و شکیبایی نشان نمی‌دهند (نعمتی سوگلی تپه و خالديان، ۱۴۰۰)؛ به گفته اریکسون احساس انزوا می‌کنند و شاید نسبت به هم پرخاشگر هم بشوند و علاقه و خواسته‌های خود را بیان نمی‌کنند و انگاره‌های خودمدارانه به تدریج پرننگ می‌گردد (مشاک، ۱۳۸۸)؛ در این صورت زمینه لازم برای خیانت زناشویی و تشدید مشکلات مهیا می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌شود درمانگران خانواده، در بحث ارتقای سلامت زندگی زوجین، راهکارهایی برای کاهش آسیب‌هایی که سلامت خانواده را به مخاطره می‌اندازد، ارائه دهند و همچنین راهکارهایی برای افزایش صمیمیت، عشق‌ورزی و نگاه کردن سیستمی به اعتیاد ارائه دهند تا باعث بقا خانواده‌ها و ایجاد روابط موثر شود و

همدلی، صمیمیت، تفاهم، آگاهی، مهارت‌های ارتباطی، عشق‌ورزی و سلامت زنشویی و ایجاد آرامش را منجر شده و سلامت خانواده را ارتقا دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی جامعی در راستای افزایش صمیمیت و همدلی زوجین و مهارت‌آموزی لازم برای ابراز محبت و عشق‌ورزی و تعامل مناسب صورت پذیرد تا با پیشگیری به هنگام و کم هزینه از شکل‌گیری آسیب‌های بعدی و به خطر افتادن سلامت خانواده جلوگیری کرد تا هم زمینه ترک مواد مخدر و هم سایر آسیب‌ها و خیانت زنشویی کمتر گردد.

طبق دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل جنسی یکی از عوامل فرایند شکل‌گیری خیانت‌زنشویی در زنان دارای همسر وابسته به مواد می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹)، ژیان پور و بهارلویی (۱۳۹۹)، حدیدی و حدیدی (۱۳۹۸)، واراچ و همکاران (۲۰۱۸) و استیرمان و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد که در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان نمود طبق نظریه سه‌گانه عشق استرنبرگ، صمیمیت و نزدیکی بخشی از عشق به وصال رسیده است که شامل تعهد و اشتیاق و علاقه شدید می‌شود. این سه ویژگی از صمیمیت و روابط زنشویی ارتباط تنگاتنگی با نگرش افراد به خیانت خواهد داشت. چرا که وقتی بیان می‌شود صمیمیت در روابط زنشویی زوجین بالاست در واقع این باور وجود دارد که اولاً به یکدیگر متعهد هستند، دوماً فرد بر این است که زوجین صمیمی اشتیاق و علاقه شدیدی به یکدیگر دارند و در پی ارضای نیازها از طریق هم هستند و از طرفی عدم ارضای صمیمیت می‌تواند موجب افزایش تعارضات، کاهش رضایت زنشویی و بروز مشکلات عاطفی و روانی و در نتیجه نگرش مثبت به خیانت زنشویی گردد (بختیاری، حسینی، عارفی و افشاری نیا، ۱۴۰۰). در نتیجه با افزایش آگاهی و بینش فرد به ماهیت وجودی خود و ارزش‌های والای انسانی و مکرم داشتن کانون خانواده، از جمله لازمه‌هایی است که تحقق آن می‌تواند تا حد زیادی پایبندی به تعهدات زنشویی را تقویت کند و از تمایل فرد به تجربه خیانت زنشویی بکاهد. این یافته‌ها می‌تواند توسط مشاورین و روان‌شناسان در طراحی مدل‌های نظری، آموزشی و درمانی با هدف کاهش بحران‌های وجودی در مردان خیانت‌کار مورد استفاده قرار بگیرد و بدین شکل زمینه برای کاهش و پیشگیری از چنین گرایشی فراهم شود.

همچنین یکی از عوامل مهمی که در سلامت خانواده و جامعه نقش اساسی دارد، کیفیت برقراری ارتباط، رابطه جنسی و میزان رضایت از آن، سلامت جنسی و کارکرد مناسب آن در چارچوب خانواده است. گزینه جنسی و ارضای صحیح آن، یکی از اهداف و آثار تشکیل خانواده به شمار می‌رود. نیاز جنسی یک نیاز اساسی و مهم در ثبات استحکام خانواده است. فعالیت جنسی یک نمونه از رفتار متقابل زن و شوهر است و بدیهی است که رضایت از رابطه جنسی ارتباط تنگاتنگی با رابطه کلی زن و شوهر دارد. یک رابطه جنسی مشکل‌آفرین و نارضایتی جنسی ممکن است بر تعامل عمومی زوجین تأثیر زیان‌آوری داشته باشد. در عمل ممکن است چرخه معیوبی از تأثیر رخ بدهد که در آن ناهماهنگی زناشویی در عملکرد موفقیت‌آمیز جنسی تداخل نموده و ناهنجاری‌های جنسی موجب بروز ناسازگاری‌ها، تعارض‌ها و فشارروانی میان زوجین گردد و همچنین مشکل در برقراری روابط زناشویی می‌تواند منجر به پایین آمدن کیفیت روابط جنسی و در کل، روابط زناشویی شود. پایین آمدن کیفیت در این موارد، خود می‌تواند منجر به نارضایتی زناشویی، سرخوردگی و خیانت جنسی و زناشویی گردد (زارع نژاد، حسینی و رحمتی، ۱۳۹۸)؛ پس می‌توان بیان نمود که اعتیاد و مصرف مواد مخدر می‌تواند در تشدید و تداوم خیانت زناشویی نقش مهمی داشته باشد، برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط دستگاه‌های ذی‌ربط در راستای ارتقای مهارت‌های همسررداری، شیوه‌های برقراری تعامل مفید و سازنده با همسر خصوصاً در ارتباط با روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش و افزایش آگاهی زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر خصوصاً نیازهای جنسی و چگونگی پاسخدهی مناسب به آنها، الزام زوجین به مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج و دادن آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها در خصوص پیامدهای عدم ارتباط بین زوجین و همچنین پیامدهای مثبت ارتباطات موثر و روابط رضایت‌بخش پیشنهاد می‌گردد.

به طور کلی، سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد در حال حاضر به یک وضعیت بحرانی و اضطراری تبدیل شده که تهدیدی جدی برای سلامت عمومی و بهزیستی اجتماعی و اقتصادی است و تأثیر مستقیمی بر زندگی فرد می‌گذارد و می‌تواند منجر به اثرات نامطلوبی از جمله افسردگی، اضطراب در بعد فردی و مشکلات جدی زناشویی در بعد

خانوادگی شود (اسکول، ست، کاریسا، ویلسون و بالدوین^۱، ۲۰۱۹). عدم آگاهی در مورد خواسته‌ها، نیازهای زوجین از همدیگر و حتی غفلت از آن و عدم احساس مسئولیت در قبال همدیگر و عدم ارضای نیازهای فردی و بین‌فردی نقش مهمی در ایجاد اختلال و عدم رضایت و خیانت‌ناشویی دارد. زمانی که زوجین در زندگی غفلت نمایند، نمی‌توانند درک درستی از زندگی داشته باشند و از زندگی زناشویی خود راضی نیستند؛ در نتیجه اعتیاد همسر می‌تواند این موارد را تشدید نماید و زمینه مشکلات زناشویی و خیانت زناشویی ایجاد گردد و در نتیجه فرد و خانواده در سیکل معیوب قرار گرفته و روز به روز مشکلات بیشتر و بیشتر می‌گردد. همچنین با توجه به اینکه اعتیاد به مواد مخدر از مهمترین چالش‌های امروز نظام بهداشت و سلامت جهان و بالتبع کشور ایران می‌باشد و اینکه اعتیاد به عنوان فرایندی پیچیده در مغز انسان، عوارض و پیامدهای زیانبار و جبران‌ناپذیر زیادی در حوزه‌های فردی و خانوادگی به همراه دارد، امید است با توجه به دستاوردها و نتایج این پژوهش بتوان طرقی پیشنهاد کرد که با شناسایی علل و عوامل تاثیرگذار در خیانت‌ناشویی و مشکلات زوجین دارای سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد، بتوان اعمال و رفتار را به شکل هوشمندانه‌ای نظم و ترتیب و شکل داد و زمینه‌ای را فراهم نمود تا به صورت علمی در زمینه پیشگیری مشکلات زناشویی و اعتیاد گام برداشت و افراد را به سوی یک زندگی سالم و رشد یافته یاری نمود. در مورد آثار مخرب تعارض زناشویی می‌توان اشاره کرد که در آن زوج‌ها به جای حل مشکل، یکدیگر را مورد حمله قرار می‌دهند و هر یک سعی می‌کنند تا از طریق سرزنش و انتقاد، دیگری را تحت نفوذ خود درآورد. در واقع روند تشدید تعارضات زناشویی، احساس ارزشمندی افراد به همراه ارزشی که برای رابطه عاطفی خود قائل بوده‌اند به تدریج رنگ می‌بازد. این فاصله جسمانی، روانی و عاطفی در سال‌های بعد پررنگتر می‌شود و به صورت خیانت‌ناشویی خود را نمایان می‌سازد.

از محدودیت‌های پژوهش، عدم دسترسی به زنان دارای همسر وابسته به مواد در پژوهش و عدم همکاری آنها بود و همچنین یافته‌های پژوهش حاضر متکی بر مصاحبه‌های

تعداد محدودی از زنان دارای همسر وابسته به مواد می باشد، از این رو یافته ها و مدل تا حد زیادی وابسته به پارادیم های ذهنی این افراد است و استفاده صرف از این مصاحبه ها از محدودیت ها بود. از محدودیت های دیگر به دلیل مشکل اجتماعی و قانونی نسبت به پدیده اعتیاد و مسائل خصوصی زندگی مشترک افراد جلب رضایت و پاسخ شفاف برخی از آنها گاهی مواقع دشوار بود و با نوعی مخفی کاری همراه بود.

منابع

ابراهیمی، محمد؛ رفیعی نیا، پروین و دلاورپور، محمدآقا (۱۳۹۸). مقایسه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و مهارت های ذهن آگاهی در افراد با و بدون تجربه رابطه فرازناشویی. *خانواده پژوهی*، ۱۷(۶۷)، ۴۸۲-۴۶۷.

استراس، آنسلم و کورین، جولیت. ام. (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها*. (ترجمه: بیوک محمدی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۰).

امانی، احمد؛ خالق پناه، کمال و محمدی، اسرین (۱۳۹۸). تجربه زیسته زنان آسیب دیده از روابط فرازناشویی همسر در شهر سنج. *مشاوره و رواندرومانی خانواده*، ۲۹(۲)، ۲۷۲-۲۵۵.

انوری، نجمه و آزادی، مهران (۱۴۰۱). رابطه مشکلات بین شخصی و اعتیاد به گوشی همراه با خیانت زناشویی. *مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۴(۳۴)، ۱۲۸-۱۱۷.

آوانی، مریم سادات و زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۹). آشکار ساختن چرایی و زمینه های برپایی پیوندهای فرازناشویی زنان از نگاه مردان آسیب دیده: پژوهش داده بنیاد. *مشاوره و رواندرومانی خانواده*، ۱۰(۱)، ۱۵۰-۱۲۶.

بختیاری، انسیه؛ حسینی، سعیده؛ عارفی، مختار و افشاری نیا، کریم (۱۴۰۰). نقش واسطه ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی. *پژوهش های مشاوره انجمن مشاوره ایران*، ۲۰(۷۷)، ۱۴۰-۱۲۲.

تاج بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واكوی عوامل زمینه ساز روابط فرازناشویی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹(۴)، ۶۱۴-۵۹۵.

تاج بخش، غلامرضا؛ محمد میرزایی، مریم و حسینی، محمدرضا (۱۳۹۹). تحلیل داده بنیاد فرآیند شکل گیری خیانت زناشویی. *پژوهش های جامعه شناسی معاصر*، ۹(۱۷)، ۷۱-۵۲.

تربتی، سروناز؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه و خسروی، نیکا (۱۳۹۸). مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه ساز آن با تاکید بر روابط میان فردی با والدین مطالعه موردی: دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران. *مطالعات جامعه شناسی*، ۱۲(۴۵)، ۱۰۴-۷۷.

- جلالی، ندا؛ حیدری، حسن؛ داودی؛ حسین و آل یاسین، علی (۱۳۹۸). مقایسه تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار و رویکرد غنی‌سازی روابط گاتمن بر تعارض زناشویی گروهی از زنان شهرستان خمین. *مجله روانشناسی فرهنگی*، ۱۳(۱)، ۶۱-۴۲.
- چوپانی، موسی؛ فاتحی زاده، مریم؛ آسنجرانی، فرامرز و کوریا، آلبرتو ماریو دی کاسترو (۱۴۰۰). پدیدارهای وجودی در خیانت زناشویی مردان. *خانواده پژوهی*، ۱۷(۶۷)، ۵۱۳-۴۸۳.
- حیدری، معصومه و حیدری، زهرا (۱۳۹۸). رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های مجازی با خیانت زناشویی، در بین مراجعه‌کنندگان به بخش مشاوره کلاتری شهرستان تنکابن. *دانش انتظامی مازندران*، ۱۰(۲)، ۲۰۲-۱۶۷.
- خالدیان، محمد (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی معنادرمانی به شیوه گروهی بر ارتقاء سرمایه روان‌شناختی افراد وابسته به مواد. *پژوهش‌های دانش‌انتظامی*، ۱۹(۳)، ۱۲۰-۱۰۳.
- خرم‌آبادی، راضیه؛ سپهری شاملو، زهره؛ صالحی فدردی، جواد و بیگدلی، ایمان‌الله (۱۳۹۷). مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی. *فصلنامه روانشناسی شناختی*، ۱(۱)، ۵۷-۴۶.
- خلیلی، رضا؛ بهمنی، بهمن؛ خانجانی، محمدسعید و واحدی، محسن (۱۴۰۰). رابطه بین نگرش به روابط فرازناشویی با احساس کهنتری، منبع کنترل و عمل به باورهای مذهبی در همسران مردان دارای اعتیاد. *سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی*، ۳(۱)، ۳۷-۲۸.
- دغاغله، فاطمه؛ عسگری، پرویز و حیدری، علیرضا (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۷(۲۴)، ۵۷-۶۹.
- راطی، مسعود و فرهادی، هادی (۱۳۹۸). بررسی کیفی علل عود مواد در معتادان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۳(۵۳)، ۲۱۶-۱۹۷.
- رواحی کریمی، تاجارا؛ شیرازی، محمود و ثناگوی‌محرر، غلامرضا (۱۳۹۹). هم‌سنجی اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری و زوج‌درمانی پذیرش و تعهد بر بی‌رمقی زناشویی و تیدگی پس‌ضربه‌ای زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۲)، ۷۴-۴۱.
- زارع نژاد، حمیده؛ حسینی، سیدمحمدرضا و رحمتی عباس (۱۳۹۸). رابطه احقاق جنسی و نارضایتی جنسی با بی‌رمقی زناشویی: نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۱)، ۱۹۷-۱۹۷.
- ژیان‌پور، مهدی و بهارلویی، مریم (۱۳۹۹). گریز از مدار ضعیف زندگی زناشویی کاوشی در معنا و فرایند شکل‌گیری خیانت. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۲)، ۲۰۰-۱۷۹.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۶). خشونت خانوادگی، دلزدگی زناشویی و احساس ارزشمندی در زنان عادی و مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شهر تهران. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۵(۱)، ۵۲-۳۵.

- صمدی کاشان، سحر؛ پورقناد، محدثه و زمانی زارچی، محمد صادق (۱۳۹۸). خیانت زناشویی: کاوشی در دیدگاه‌ها، عوامل و پیامدها. *رویش روان‌شناسی*، ۸(۴)، ۱۷۶-۱۶۵.
- عباسی، مرتضی؛ مدنی، یاسر و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش گروهی برنامه «کاربرد عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه» بر الگوهای ارتباطی زوج‌های در آستانه ازدواج. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۲)، ۲۴۷-۲۲۷.
- عبدالملکی، مریم؛ اعظم‌آزاده، منصوره و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۹۴). رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازاندیشی مدرن با گرایش به روابط فرازناشویی در بین زوجین شهر قروه. *خانواده پژوهی*، ۱۱(۴۳)، ۳۳۲-۳۰۹.
- عزیزپور، صفیه؛ رضاپور میرصالح، یاسر و متقی، شکوفه (۱۳۹۹). بررسی ابعاد هیجانی و روانشناختی آسیب‌های دوران کودکی در مردان و زنان دارای پیشینه خیانت زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۲)، ۳۶۰-۳۲۹.
- عظیمی‌دلارستاقی، عادل؛ رضوی، محمدحسین و برومند، محمدرضا (۱۳۹۷). شناسایی عوامل زمینه‌ای تاثیرگذار بر استقرار کارآفرینی استراتژیک در کسب و کارهای ورزشی. *فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش*، ۷(۴)، ۸۸-۶۹.
- فولادیان، مجید؛ برادران کاشانی، زهرا و دیاری، مرتضی (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی فرایندهای بروز رابطه فرازناشویی مورد مطالعه: زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر مشهد. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۱)، ۳۷-۱.
- قادری، زهرا؛ رفاهی، ژاله و باغبان، محمد (۱۳۹۴). تأثیر آموزش به شیوه رویکرد هیجان‌مدار بر صمیمیت زوجین. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۶(۲)، ۸۳-۷۷.
- قدم‌پور، عزت‌الله؛ یوسف‌وند، لیلا و رادمهر، پروانه (۱۳۹۶). اثربخشی برنامه آموزشی غنی‌سازی روابط بر ادراک رفتارهای از خودگذشتگی خود و شوهر و تاب‌آوری ابهام در زنان دانشجوی. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۷(۲)، ۱۲۵-۱۰۶.
- مشاک، رویا (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. *زن و فرهنگ*، ۱(۲)، ۹۷-۸۳.
- مهدی‌زاده، فاطمه و دره‌کردی، علی (۱۳۹۹). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نگرش به روابط فرازناشویی با میانجیگری ابعاد ذهن‌آگاهی به منظور ارائه مدل. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۸۷)، ۳۸۹-۳۸۳.
- نریمان، زهرا؛ آقایی، اصغر و فرهادی، هادی (۱۳۹۹). مقایسه اعتیاد به عشق و سازش یافتگی زناشویی در متأهلین با و بدون روابط فرازناشویی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۸۹)، ۶۴۶-۶۳۹.

- نعمتی سوگلی تپه، فاطمه و خالدیان، محمد (۱۴۰۰). تدوین مدل ساختاری برای صمیمیت‌ناشویی از طریق سبک‌های عشق‌ورزی با نقش میانجی بخشایش‌گری میان‌فردی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی* (مقالات آماده انتشار).
- نعمتی سوگلی تپه، فاطمه؛ شاهمرادی، سمیه؛ رحیمی، فاطمه‌السادات و خالدیان، محمد (۱۳۹۹). بررسی عوامل تاثیرگذار در سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد با رویکرد گراندد تئوری. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۴(۵۷)، ۳۴-۱۱.
- هاشمی مقدم، لایلا؛ ترکان، هاجر و یوسفی، زهرا (۱۳۹۹). مطالعه کیفی عوامل محافظت‌کننده و مخاطره‌آمیز در اعتیاد در زنان و مردان شهر اصفهان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۴(۵۵)، ۱۵۰-۱۳۳.
- یوسفی، ناصر و خالدیان، محمد (۱۳۹۱). بررسی عوامل فردی، خانوادگی و محیطی گرایش افراد به مواد مخدر و اعتیاد. *پیشگیری از وقوع جرم*، ۷(۲۵)، ۹۴-۷۷.

References

- Beltrán-Morillas, A. M., Valor-Segura, I., & Expósito, F. (2019). Forgiveness motivations in romantic relationships experiencing infidelity: Negative affect & anxious attachment to the partner as predictors. *Frontiers in psychology*, 10(434), 1-17.
- Dekel, B., Abrahams, N., & Andipatin, M. (2018). Exploring adverse parent-child relationships from the perspective of convicted child murderers: A South African qualitative study. *PLoS one*, 13(5), 1-15.
- Maphosa, S., Mutandwa, P.H., & Nyamayaro, A. (2017). Infidelity Appetite: Psychological Factors Influencing Married Women to Engage in Extramarital Affairs. *International journal of innovative research and development*, 6(1), 46-52.
- Mtenga, S. M., Pfeiffer, C., Tanner, M., Geubbels, E., & Merten, S. (2018). Linking gender, extramarital affairs, and HIV: a mixed methods study on contextual determinants of extramarital affairs in rural Tanzania. *AIDS research and therapy*, 15(1), 1-17.
- Scholl, L., Seth, P., Kariisa, M., Wilson, N., & Baldwin, G. (2019). Drug and opioid-involved overdose deaths — United States, 2013–2017. *Morbidity and mortality weekly report*, 67(5152), 1419–1427.
- Seltermann, D., Garcia, J. R., & Tsapelas, I. (2019). Motivations for extra dyadic infidelity revisited. *The journal of sex research*, 56(3), 273-286.
- Steele, H., & Steele, M. (2019). *Handbook of attachment-based interventions*. New York: Guilford Press.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage Publications, Thousand Oaks: CA, USA.
- Ueda, R., Yanagisawa, K., Ashida, H., & Abe, N. (2018). Executive control and faithfulness: only longterm romantic relationships require prefrontal control. *Experimental brain research*, 236(3), 821-828.
- Warach, B., Josephs, J., & Gorman, B. S. (2018). Pathways to infidelity: The roles of self-serving bias & betrayal trauma. *Journal of sex & marital therapy*, 44(5), 497-512.
- Weibe, S. A., & Johnson, S. M. (2017). creating relationships that foster resilience in emotionally focused therapy. *Current opinion in psychology*, 13, 65–69.